

اگر احساس خواب به شما دست داد در مکان امنی مانند پارکینگ‌های جاده‌ای خودرو را متوقف کنید و از توقف در شانه بزرگراه خودداری کنید.



جنگ اصفهان چه بود؟

احمد گلشیری پدر سیامک گلشیری، مترجم ایرانی ادبیات داستانی است. او فعالیت ادبی را از جنگ اصفهان آغاز کرد. جنگ اصفهان یک حلقه ادبی است که در آغاز دهه چهل توسط تعدادی نویسنده جوان و نو اندیش در اصفهان پایه گذاری شد. «سال‌های سگی» اثر ماریو بار گاس یوسا، «ساعت شوم»، «پرندگان مرده و پانزده داستان دیگر»، «بهترین داستان‌های کوتاه» نوشته گابریل گارسیا مارکز، «دلنگی‌های نقاش خیابان چهل و هشتم» جروم دیوید سالینجر، بهترین داستان‌های کوتاه ارنست همینگوی و چخوف آثار مهمی هستند که توسط او ترجمه شده‌اند.

خون آشام‌ها را می‌خواهند

چیزی که در واقعیت اتفاق می‌افتد را بنویسی، فقط مهم این است که بخشی از آن الهام‌گرفته از یک اتفاق باشد.

• **در چه شرایط و فضاهایی بیشتر حس نوشتن پیدا می‌کنید؟**

من خیلی منظم کار می‌کنم. صبح‌ها از ساعت ۸ صبح شروع می‌کنم به نوشتن تا ۱۱ و ۱۲ ظهر. به‌رحال شغلم است و اگر یکی دو روز بین نوشتنم وقفه بیفتد، بعدش خیلی اذیت می‌شوم؛ دوباره باید برگردم به خط اول داستان و بخوانم و باز نویسی‌اش کنم تا بتوانم دوباره بقیه‌اش را ادامه دهم. برای همین من هر روز می‌نویسم حتی روزهای عید و تعطیلی.

• **با قلم و کاغذ می‌نویسید یا الان که همه چیز مدرن شده، با کامپیوتر تایپ می‌کنید؟**

بله، الان فقط در لپ‌تاپ می‌نویسم. تا چندسال پیش عادت به نوشتن روی کاغذ داشتم، اما الان لپ‌تاپم را همه‌جا با خودم می‌برم و نوشتن در آن برایم راحت‌تر است.

• **چه نویسنده‌هایی روی قلم «سیامک گلشیری» تأثیر گذاشتند؟**

خیلی‌ها، همینگوی خیلی زیاد. سالینجر، کاروتو ایشی گورو یا سه‌گانه تام راب اسمیت به نام کودک ۴۴، چخوف و از نویسنده‌های آلمانی هاینریش بل و بعضی از کتاب‌های آگاتا کریستی مثل قتل در قطار

سریع‌السر شرق.

• **بیشتر نویسندگان خارجی بودند، درست است؟**

بله.

• **کتاب‌های عمو و پدرتان چقدر؟**

الان اجازه می‌دهید چیزی نگویم؟ بعدهای می‌گویم، ولی الان نمی‌خواهم درباره‌اش حرف بزنم.

• **هر جور راحتید، فقط در این بخش گفت‌وگو که در مورد خودتان بود، سوالی داشتیم که ابتدا می‌خواستیم نخستین سوال مصاحبه‌مان باشد، اما بعد ترجیح دادم بگذارم وسط گفت‌وگوی مان. سوال در مورد وضع در آمدی نویسندگی و امرا معاش از طریق این شغل است. این که چرا براساس آمارهای جهانی و حتی داخلی، بیشتر نویسندگان شغل دوم دارند؛ زندگی‌های‌شان تراژیک است و بعضا در فقر زندگی می‌کنند؟ اصلا این برداشت درست است؟**

بله، این آمار به صورت کلی درست است. من هم معتقدم که به قشر نویسنده و مترجم خیلی اجحاف می‌شود. فروش کتاب‌های ما خیلی پایین است. به کتابی که ۱۰ هزار نسخه از آن چاپ می‌شود، می‌گوییم کتاب پرفروش و این عدد و رقم با کشورهای پیشرفته خیلی فرق می‌کند.

• **البته شما جزو آن دسته از نویسندگانی هستید که کتاب‌های‌تان پرفروش است و چاپ‌شان، ۱۴، ۱۵ بار هم تکرار می‌شود. این اتفاق هم کمکی نمی‌کند؟**

اگر در کنار فروش کتاب‌هایم تدریس نکنم (یا مثلا قبلا که ویراستاری هم می‌کردم) و فقط بخوام از طریق فروش کتاب و درآمد نویسندگی زندگی کنم، قطعاً چرخ زندگی‌ام نمی‌چرخد.

• **از بحث در مورد خودتان خارج شویم و برسیم به چالش‌ها و مشکلات نویسندگی. موضوعی که چند وقت اخیر حاشیه‌های پربحثی داشته، این است که ظاهراً چند فیلم سینمایی بدون اجازه نویسندگان رمان‌ها ساخته شد. یعنی محوریت داستان فیلم، کپی کتاب‌ها بوده، درحالی‌که نویسنده کتاب خودش از این موضوع بی‌خبر است. این موضوع برای شما هم اتفاق افتاده است؟**

بله، متأسفانه، سه، چهارسال پیش بود که نخستین‌بار این اتفاق برایم افتاد. آن زمان شنیده بودم که فیلمی پرفروش‌ترین فیلم تاریخ سینمای ایران شده و بعد وقتی داشتم فیلم را می‌دیدم، متوجه شدم که خیلی شبیه رمان «نفرین‌شدگان» من است! خیلی ناراحت شدم.

• **چه فیلمی بود؟**

ترجیح می‌دهم اسمش را نگویم ولی همین‌قدر به شما می‌گویم که چندسال بعد قسمت دومش هم ساخته شد.

• **واکنش‌تان به این اتفاق چه بود؟**

چون می‌ترسیدم مبدا این موضوع توهم من باشد با خانمی که کارگردان تئاتر بود، موضوع را مطرح کردم. می‌خواستم کسی که تخصصش هنر سینما و تئاتر است هم فیلم را ببیند و بعد با کتابم مقایسه کند. البته این را هم بگویم که

جدی بود، اما این فیلم کم‌دی، ولی به‌رحال اگر فیلم را ببینید و کتاب را هم بخوانید کاملاً متوجه می‌شوید که موضوع از روی کتاب من الهام گرفته شده است. حتی شخصیت اصلی آن فیلم اسمش «رویا» بود و شخصیت اصلی رمان من هم اسمش رویا است. خلاصه این خانم کتاب را خواند و بعد به من زنگ زد و گفت شک نکن، کاملاً از کتاب تو برداشت شده است.

• **شکایت نکردید؟**

همان موقع دو وکیل معتبر که در حوزه سینمایی فعالیت می‌کردند به من معرفی کردند و آنها هم

گفتند قطعاً کسی که این فیلم‌نامه را نوشته، کتاب تو را خوانده است. این وکلا گفتند ما آماده‌ایم که حتی بدون گرفتن حق‌الوکاله این موضوع را قانونی پیگیری کنیم. راستش نمی‌دانم چرا، ولی مخالفت کردم و پیگیر ماجرا نشدم. هرچند که مدتی بعد باز هم اتفاق مشابهی برایم پیش آمد. این‌بار کارگردانی آمد و از من اجازه گرفت که فیلمی براساس رمان «آخرین رویای فروغ» بسازد. من هم چون قبلاًش

اجازه گرفته بود، موافقت کردم، اما ظاهراً چند ماه بعد تهیه‌کننده‌ای که پیدا کرده بود، کتاب من را خوانده بود. بعد از مدتی هم به من زنگ زدند و گفتند فیلم ساخته شده! تعجب کردم. این فیلم هم دقیقاً براساس رمان من بود، حتی صحنه اول فیلم. هر چند بشدت افتضاح بود و کلاً در رمان من همه ماجراها در یک شب اتفاق می‌افتد، اما در این فیلم یکسری کارهای دیگری هم شده، اما اگر باز هم کتاب من را بخوانید، متوجه می‌شوید که کاملاً از روی کتاب من ساخته شده است. هر چند باز هم شکایت نکردم.

• **راه حل برخورد با این اتفاق چیست؟ الان این اتفاق برای نویسندگان دیگری هم افتاده و شاید اگر این ماجرا از طرف نویسندگان پیگیری شود، بتوان با این معضل برخورد قانونی کرد.**

فکر می‌کنم نویسنده‌های دیگری هم که مثل من این بلا بر سر رمان‌های‌شان آمده باید موضوع را علنی کنند و در مطبوعات بگویند. ضمن این که انجمن صنفی نویسندگان یکی از کارهایی که می‌تواند انجام دهد این است که با ارشاد تعامل داشته باشد و قانونی تصویب کند تا بتوان جلوی این پدیده را گرفت.

• **ولی خودتان این کار را نکردید.**

راستش فیلم اولی که گفتم از روی کتاب من ساخته شده به این دلیل بود که حس کردم فیلم ارزشش را ندارد. یعنی این‌قدر این فیلم را طنز و کم‌دی ساخته بودند که دوست نداشتم اصلاً با کتاب جدی من مقایسه شود، برای همین ارزشش را نداشتم. فیلم دوم هم یکسری گیرهایی داشت که نمی‌توانستم پیگیری کنم.

• **چه گیرهایی؟**

فیلم قبل از چاپ کتابم ساخته شده بود. هر چند که از چندسال قبل از چاپ نوشته شده بود و مطمئناً کارگردان فیلم با پارتی‌بازی از یک کانال‌هایی به کتاب من دسترسی داشته است. به هر حال، اثباتش سخت بود و نتوانستم راه حلی برایش پیدا کنم. اما الان اگر این اتفاق برایم

دوباره تکرار شود قطعاً شکایت خواهم کرد. • **اصلاً اگر کارگردانی بخواهد از روی رمان‌های شما فیلم بسازد، موافقت می‌کنید؟**

بله، چرا که نه. همین چند وقت پیش، عماد خدابخش، تدوینگر فیلم سرخیوست براساس یکی از داستان‌های من یک فیلم کوتاه ساخت. خب، قبلاًش هم آمد و موضوع را با من در میان گذاشت و قرارداد

بستم.



رمانی تأثیر بگیرد، اما مشروط به این که در تیتراژ نوشته‌شود با تگاهی به کتاب‌فلان.

• **آقای طالبی‌بازدا! چرا فیلمسازانی که داستان فیلم‌های‌شان تأثیر گرفته از کتاب‌هاست، حاضر به ذکر نام نویسنده اثر نمی‌شوند؟ برداشت شما از این ماجرا چیست؟**

واقعیت این است که تعریف غلط تالیف باعث شده که یک فیلمساز فکر کند که اگر بگوید با نگاه یا برداشت آزاد از فلان اثر، دیگران بگویند پس او فیلمساز مولف نیست. اینها همه تعبیر غلطی است که از معنای مولف در ایران وجود دارد.

• **با این که این ماجرا در سینمای ایران سابقه‌دار است و تکرار آن حتی ممکن است باعث سلب اعتماد عمومی نسبت به فیلمسازان شود،**

کیوان کثیریان، روزنامه‌نگار و منتقد سینما معتقد است که ادعاها در مورد کپی‌برداری فیلم‌ها از آثار ادبی نشان می‌دهد که اتفاق خوبی بین ادبیات و سینما نیفتاده است. هر چند تازمانی که این مسائل در یک شورای دآوری به صورت دقیق بررسی نشود، نمی‌توان حق را به یکی از طرفین داد اما طبیعتاً اثبات آن بهای گزافی خواهدداشت.

• **آقای کثیریان، شما به همه زوایا و گره‌های حوزه سینما آشنا هستید. این روزها پدیده نوظهوری بین نویسندگان رمان و سینماگران چالش ایجاد کرده است. عده‌ای از نویسنده‌ها معتقدند مشخصاً داستان یک سری از فیلم‌ها از روی رمان‌ها‌یشان کپی شده یا اقتباس آزاد داشتند. فکر می‌کنید چقدر این موضوع می‌تواند درست باشد؟**

من فکر می‌کنم گروهی باید این موضوع را دآوری کنند و فیلم‌هایی که ادعا می‌شود از رمان‌ها کپی‌برداری کرده‌اند را ببینند که معمولاً این گروه در شورای دآوری خانه سینما هستند و قضاوت می‌کنند و گر نه که خیلی از اینها می‌تواند صرف‌ادر حدادعایی بماند.

• **این ماجرا چقدر در تاریخ سینمای ایران سابقه دارد؟**

چند روز پیش مهدی افروزم‌نش نویسنده کتاب‌سال‌تو گفته بود که بخشی از فیلم مغزهای کوچک زنگ‌زده از

روی رمان او ساخته شده، اما به‌رحال باید کتاب‌ایشان را هم خواند و بعد درباره این جور مسائل نظر قطعی داد.

• **این مشکل چه راه‌حلی دارد؟ چون ظاهراً در حال فراگیر شدن است؟**

راه حل مشکل این است که ادبیات و سینما بیشتر به هم نزدیک شوند. یک بخش زیادی از مشکلات این است که نویسندگان و دوستان حوزه ادبیات روی خوشی به سینما نشان نمی‌دهند و دوستان سینماگر هم خیلی سابقه خوبی در وفاداری به آثار ادبی ندارند. برای همین شاید در ایران هنوز این اتفاق نیفتاده است که ادبیات و سینما به هم وام

کیوان کثیریان، منتقد سینما دیوار بی‌اعتمادی بین سینما و ادبیات بلند است

دهند.

• **به نظر شما به کدام طرف می‌شود حق داد؟ نویسندگان یا سینماگران؟**

دیوار بی‌اعتمادی بین سینما و ادبیات بلند است. بنابراین من نمی‌توانم به کسی حق دهم چون دو طرف در این ماجرا دخیل هستند و درواقع می‌توان گفت این یک ارتباط معیوب دو طرفه است. البته اهالی سینما یعنی سینماگر یا تهیه‌کننده برای اثر ادبی چندان شانی قابل نیستند و احتمالاً در خرید اثر نویسندگان هم عده‌های کوچکی پیشنهاد می‌شود و در ادامه هم چندان وفاداری به آثار ادبی ندارند. چون سینماگر بیشتر معتقد است اثر مال خودش است و درواقع می‌خواهد تأثیر خودش را روی اثر بگذارد.

• **با این تعریف نمی‌شود حق را به نویسندگان داد؟**

اول این که اگر مشخصاً در مورد یک فیلم خاص صحبت کنیم و نویسنده رمان چنین ادعایی دارد، طبیعتاً موضوع باید دآوری شود و بعد نظر قطعی در مورد حقوق طرفین بدهیم. به‌رحال اگر فیلمی که ساخته می‌شود تفاوت‌های آشکاری با رمان داشته باشد ممکن است به رمان لطمه بزند. در این مواقع اگر رمان نویس اسم و رسمی داشته باشد می‌گوید دیگر رمان من نیست یا قصه من خراب شده

شده. به همین دلیل بر نمی‌تابد و فکر می‌کند که رمانش در ذهن آدم‌ها تأثیر خوبی داشته، اما فیلم این تأثیر را مخدوش کرده. در مجموع اتفاق خوبی بین ادبیات و سینما نیفتاده است. با توجه به این که اثر ادبی با فراغ بال نوشته شده، منبع بسیار خوبی برای فیلم‌نامه‌ها است. اما متأسفانه شهوت مولف نشان دادن خود، مانع این می‌شود که اتفاق خوبی بیفتد. به‌هر حال گاهی هم اهل ادبیات وسواس بیش از حدی در مورد اثرشان دارند و می‌خواهند همان‌طور که هست حفظ شود، چون احساس می‌کنند وقتی اثرشان به فیلم تبدیل شود یک نام بزرگ داستانشان را مال خودش می‌کند.



با این موضوع در ایران هم شکایت کردن صاحبان اصلی اثر است تا شاید به‌هر حال نتیجه‌ای حاصل شود.

• **به‌عنوان سوال آخر می‌خواهم بگویم این ماجرا ضعف سینمای ایران به‌خصوص در بخش فیلم‌نامه‌نویسی است؟**

ببینید! سینمای ایران ضعف زیاد دارد که یکی از آنها هم این ماجرا است. ولی واقعیت این است که بیش از این که ضعف کلی سینما باشد، ضعف فقدان نهادهای قانونی در سینمای ایران است. فیلم‌نامه‌ها را باید در خانه سینما ثبت کنند ولی هیأت کارشناسی برای رصد دقیق فیلم‌نامه‌ها وجود ندارد. به هر حال در سینمای ایران فیلم‌نامه و فیلم‌نامه‌نویسی وضع بسیار اسفباری دارد. برای این که تقریباً حتی یک درصد هزینه تولید فیلم هم برای فیلم‌نامه هزینه نمی‌شود و بنابراین عده‌ای به جای این که برای اقتباس از یک اثر هزینه‌ای پرداخت کنند، ترجیح می‌دهند بی‌سر و صدا نوکی به داستان کتاب‌ها بزنند و صدایش را هم درنیاورند.

اما تاکنون نه انجمن صنفی نویسندگان ونه حتی ارشاد برای حل این معضل، قانونی وضع نکرده‌اند. با

این شرایط تکلیف چیست؟ چطور باید راه حلی برای این معضل پیدا کرد؟

به نظر من هر نویسنده‌ای که زنده است یا حتی وراث نویسندگان می‌توانند به خانه سینما شکایت کنند. این قضیه خیلی مهم است و برای توضیح بهتر مطلب باز هم یک مثال تاریخی می‌زنم. پائولو پازولینی، کارگردان فقید ایتالیایی در قسمتی از فیلم «مده‌آ» از آواز اکبر گلپایگانی استفاده کرد. گلپایگانی هم از او شکایت کرد و بعد از مدتی دادگاهی

در ایتالیا پازولینی را محکوم و مجبور به پرداخت غرامت به او کرد. بنابراین می‌خواهم بگویم که یکی از راه‌های برخورد

پائولو پازولینی، کارگردان

فقید ایتالیایی در قسمتی

از فیلم «مده‌آ» از آواز اکبر

گلپایگانی استفاده کرد.

گلپایگانی هم از او شکایت

کرد و بعد از مدتی دادگاهی

در ایتالیا پازولینی را محکوم

و مجبور به پرداخت غرامت

به او کرد



به نظرم یکی از بهترین فیلم‌های تقوایی است که داستانش را از کتاب نویسنده‌ای اهل اروپای شرقی برداشت کرده بود ولی اسم نویسنده در تیتراژ نیامده بود. بعدها یک نفر مچ تقوایی را